

داستان چیه؟

برای بسیاری از آدم‌ها زندگی کردن در دنیای واقعی کمی سخت و طاقت‌فرساست. در همین دنیا اما افرادی هستند که می‌توانند در ذهنشان دنیایی را خلق کنند که به زندگی واقعی شابهتی ندارد؛ دنیایی که با تمام تفاوت‌هایش، آن قدر شیرین و جذاب است که ترجیح می‌دهیم ساعت‌ها در آن غرق شویم و به اعماق دریای بی‌انتهایی برویم که زیبایی مسخ‌کننده آن چشم و گوش ما را بر این دنیا می‌بندد و درجهٔ جدیدی به روی ذهنمان باز می‌کند.

ضحی کاظمی یکی از نویسندگان خوش‌فکر کشورمان است که با ساخت دنیاهای خیالی و جذاب، ذهن مخاطبان را به جایی ورای این جهان می‌برد. خانم کاظمی با قدرت نویسندگی‌شان ذهن‌ها را از زمین تا کرهٔ ماه همراه می‌کند و سفینهٔ خیال را در مکانی ناشناخته فرود می‌آورد.

← ضحی کاظمی

ضحی در حال حاضر در تهران زندگی می‌کند. او یک سال و نیم پیش کتاب‌فروشی «راما» را در خیابان بزرگمهر تهران افتتاح کرد.

ضحی: از سال ۸۸ نوشتن را شروع کردم. اولین کتابم در سال ۹۱ منتشر شد. از آن زمان تا کنون ۱۵ عنوان کتاب داستان منتشر کرده‌ام. بیشتر کتاب‌های من رمان‌های علمی تخیلی هستند.

← سفر به لندن

تا پایان دورهٔ ابتدایی در ایران تحصیل می‌کرد و از اول متوسطهٔ اول به بعد را در لندن گذراند. چالش‌های جدید زندگی در انگلستان نکات جدیدی به زندگی او اضافه کردند؛ مثل نویسندگانی که با هر سفر یک کتاب جدید در ذهن مخاطب تصویر می‌کنند.

ضحی: از بچگی عاشق داستان بودم؛ هر چیزی که خیال‌پردازی و قصه داشت، به خصوص کتاب و فیلم.

در کل دوران مدرسه از دبستان تا هنرستان، بیشتر زنگ‌های تفریح در کتابخانه بودم و داستان می‌خواندم. اما عکاسی و تئاتر هم علاقه داشتم. دوربین داشتم و به صورت غیرحرفه‌ای عکاسی می‌کردم. زندگی من با هنر عجین شده بود و در دنیاهای خیالی که می‌ساختم یا می‌یافتم زندگی می‌کردم.

← مسیر درست را پیش گرفتم

برای کسی که بعد از ابتدایی از ایران رفته و سال کنکور به ایران برگشته است، درس خواندن و شرکت در رقابتی مانند آزمون سراسری چالشی بسیار سخت محسوب می‌شود.

ضحی: من زمان آزمون سراسری به ایران برگشتم. در کنار دیپلم انگلستان، درس‌های هنرستان ایران را خودم خواندم و سال آخر یعنی پیش‌دانشگاهی را متفرقه امتحان دادم. کنکور ریاضی دادم و رشتهٔ مهندسی مواد دانشگاه علم و صنعت قبول شدم، چون درصد شیمی را خیلی بالا زده بودم، در زیرگروه شیمی و مواد رتبهٔ خوبی داشتم. اما رشتهٔ مواد را دوست نداشتم.

سال سوم دانشگاه ازدواج کردم. سال ۸۳ فارغ‌التحصیل شدم و شروع به کار مهندسی کردم. از کار مهندسی هم احساس رضایت نداشتم. همسرم مرا به نوشتن تشویق کرد. اما اعتمادبه‌نفس نداشتم. سال ۸۷ کنکور ارشد ادبیات انگلیسی شرکت کردم و قبول شدم. هم‌زمان که دخترم تازه راه افتاده بود، نیمه‌وقت سر کار می‌رفتم، ارشد می‌خواندم که نوشتن را شروع کردم.

← تحقق آرزوی دیرینه‌ام

ضحی: از بچگی همیشه داستان می‌خواندم و می‌نوشتم. ته دلم آرزو داشتم زمانی نویسنده شوم، اما فکر می‌کردم غیرممکن است. سخت و عجیب بود، اما غیرممکن نبود. ده عنوان رمان بزرگ‌سال منتشر کرده‌ام که بیشترشان گمانه‌زن هستند؛ یعنی علمی تخیلی و فانتزی. سه عنوان رمان نوجوان به نام «دنیای آدم‌نباتی‌ها» از من چاپ شده است. یک مجموعه داستانک دارم و مجموعه داستان «زمان‌سوار» هم به تازگی منتشر شده است.

← شروع مسیر جدید زندگی

برای کسانی که عاشق کتاب هستند، کتابخانه





ضربه‌ها مصون نبود و در ماه‌های شیوع وضعیت سختی را سپری می‌کرد. ضحی: درباره کتاب‌فروشی هم باید بگویم، به خاطر کرونا در وضعیت اضطرابی و بدی شروع به کار کردیم. امیدوارم با اکسیناسیون سراسری و فروکش بیماری، حال کتاب راما هم بهتر شود.

مهم‌ترین مشکلاتی که در مدت این یک سال و نیم در کتاب راما با آن روبه‌رو شدیم، مسائل اقتصادی و کرونا بود. کرونا به همه کسب‌وکارها لطمه زد. شرایط ناخواسته‌ای بود که به هر حال مجبور بودیم تحمل کنیم. اما گرانی‌ها، نبود ثبات قیمت‌ها و کوچک‌تر شدن سفره خانواده‌های ایرانی خیلی بیشتر به ما ضربه زد. وقتی شرایط مالی یک خانواده مساعد نباشد، سخت‌تر سراغ خرید کتاب می‌آید. از طرف دیگر، کتاب‌ها مدام گران می‌شوند و نرخ تورم کتاب، از سود اندکی که برای کتاب‌فروشی دارد، بیشتر است. اما ما همچنان امیدواریم و ادامه می‌دهیم. در مورد نوشتن هم برای گفتن مشکلات و مصائب نویسندگی به مصاحبه‌ای کامل و مجزا نیاز است تا بشود آن را تا حدی تجزیه و تحلیل کرد. فقط بگویم، نوشتن مسیر بسیار سختی است و کسی که نویسندگی را به‌عنوان حرفه انتخاب می‌کند، باید کفش آهنین به پا کند.

← مخاطب همه چیز است!

برای رسیدن به هر هدفی، هر کسی انگیزه‌ای دارد که او را به سمت هدفش هدایت می‌کند. برای ضحی کاظمی هم این انگیزه از درون خودش نمی‌جوشید و انرژی دریافتی از بیرون چراغ راهش بود. ضحی: مخاطب! هم نوشتن و هم کتاب‌فروشی هدف مشابهی را دنبال می‌کنند؛ اینکه مخاطب کتابی را بخواند و از آن لذت ببرد. تک‌تک لبخندها، یادداشت‌ها، پیام‌ها و بازخوردهایی که از مخاطبان کتاب‌های خودم و کتاب‌هایی که از کتاب راما خریداری می‌شوند، می‌گیرم، برایم دلگرم‌کننده است. من از خواندن و نوشتن لذت می‌برم و دوست دارم دیگران را در این لذت سهیم کنم.

و کتاب‌فروشی بهشت روی زمین محسوب می‌شوند. در همین حال، خانم کاظمی به فکر تأسیس بهشتی زمینی برای خوانندگان کتاب افتاد؛ برای افرادی که دنیای آن‌ها چیزی ورای زندگی روزمره شهری انسان‌ها بود.

ضحی: طبیعی است که انتخاب اول من برای راه‌اندازی فروشگاه، کتاب‌فروشی باشد! اما به‌عنوان نویسنده ادبیات گمانه‌زن، دغدغه‌های دیگری هم داشتم و دارم. ادبیات ژانری در ایران درست جا نیفتاده است. در اغلب کتاب‌فروشی‌ها تمام آثار علمی‌تخیلی و فانتزی را در قفسه‌های کودک و نوجوان می‌گذارند، درحالی‌که ممکن است کتاب برای مخاطب بزرگ‌سال باشد. در ضمن، غیر از آثار تعداد محدودی از نویسندگان ایرانی، اغلب کتاب‌فروشی‌ها داستان‌های تألیفی نمی‌آورند. وقتی شرایط تأسیس کتاب‌فروشی فراهم شد، تصمیم گرفتم با توجه به فضای کوچک مغازه، کتاب‌فروشی را تخصصی کنم تا بتوانم ادبیات ژانری را درست و صحیح به مخاطب معرفی کنم. همه تلاش‌م این بود که کتاب‌فروشی ما به خانه‌ای برای نویسندگان، مترجمان و دوستداران ادبیات گمانه‌زن تبدیل شود. ژانر مورد علاقه من علمی‌تخیلی دیستوپیاست و در همین ژانر می‌نویسم. در ده سال گذشته آثار نویسندگان هم‌نسل خودم را دنبال کرده‌ام و از خواندن آثار گمانه‌زن تألیفی لذت می‌برم.

← نوشتن برای لذت بخش است.

نویسنده‌گی کار سختی است؛ نه درآمدی دارد، نه شهرت و افتخاری. اما خود «نوشتن» به قدری برایش لذت‌بخش بود که هرگز از نویسندگی پشیمان نشد.

← کرونا و مشکلات جدید تأثیر بدی گذاشتند

همه می‌دانیم که بعد از همه‌گیری کرونا، مشاغل و کسب‌وکارهای کوچک و بزرگ چه ضربه‌هایی خوردند! کتاب‌فروشی راما هم از این